



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس روز سه شنبه پنجم مهر ماه ۱۳۰۵ مطابق بیستم ربیع الاول ۱۳۴۵

جلسه ۱۴

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل و صورت مجلس روز یکشنبه سوم مهرماه قرائت و تصویب شد.

غائبین با اجازه - آقایان : علیخان اعظمی - آقا شیخ علی دشتی - آقاسید زین العابدین میرزا یداللهخان نظامی - امیرتیمور کلالی - میرزا هاشم آشتیانی - احتشامزاده.

غانین بی اجازه - آقایان: محمدرولی خان اسدی - شریعت زاده، میرزا ابراهیم خان قوام - محمد هاشم میرزا افسر - آقازاده سبزواری، دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: میرزا سیدسهدی خان فاطمی حاج میرزا حبیب الله امین - میرزا محمد تقی (ثقة الاسلام سابق) - محمد آخوند - میرزا اسمعیل خان نجوبی - آقازاده سبزواری - محمدخان مصدق - میرزا محمد تقی بهار - حاج حسن آقاملک، آقای دادگر در مقابل استفسار آقای حاج آقازاده رفیع از عملیات کمیسیون تجدیدنظر در قانون استخدام کشوری اظهار نمودند نظریه وزارتخانه در این موضوع خواسته شده و پس از وصول آنها نتیجه به اسرع اوقات به عرض مجلس شورای ملی خواهد رسید.

آقای وزیر مالیه اظهار داشتند وزارتخانه مشغول تکمیل نظریه خود بوده و عنقریب پیشنهادی در این خصوص از طرف دولت تقدیم خواهد شد.

آقای فهیمی شرحی مشعر به توضیح نطق جلسه قبل خود راجع بلزوم وجود مستخدمین آمریکائی در مالیه تقریر و دو فقره خبر از طرف کمیسیون عرایض و مرخصی اول راجع به مرخصی هفت روزه آقای ملک ایرج میرزا و دوم در خصوص مرخصی بیست و پنج روزه آقای غلامحسین میرزا قرائت و آقای غلامحسین میرزا تقاضا نمودند چون موقع گذشته نسبت به مرخصی ایشان به مدت ۱۰ روز اخذ رأی شود و نسبت به هر دو فقره رأی گرفته اولی تصویب و دومی رد شد.

بنده پروگرام هیئت دولت مطرح و در قسمت چهاردهم آقای آقاسید یعقوب راجع بلزوم بسط و امتداد خطوط پستی و تلگرافی در تمام نقاط مملکت خصوصاً نقاط جنوبی و تهیه وسائل سرعت سیر پست شرحی اظهار و آقای وزیر فوائد عامه اظهار داشتند وجود همین نواقص ایجاب کرده است که دولت در پروگرام خود ذکری از این موضوع بنماید و البته سعی خواهد شد که بزودی تشکیلات پستی و تلگرافی در اغلب نقاط مملکت خصوصاً نقاطی که فاقد این وسائل هستند ایجاد شود.

در قسمت پانزدهم آقای ارباب کیخسرو شرحی راجع بمضار قانون استخدام کشوری تقریر و عقیده شان این بود دولت عوض اصلاح موقوف الاجراء بودن آنرا پیشنهاد می کرد تا در موقع قانون جامعی با ملاحظه تمام اطراف از تصویب مجلس بگذرد.

آقای حائری زاده اظهار مینمودند بدیهی است قوانین غالباً در حین عمل به مشکلاتی برمی خورد و بایستی آنها را اصلاح نمود و موقوف الاجرا ماندن این قانون مصلحت نبوده و اسباب تزلزل مستخدمین و وزارتخانه خواهد بود.

در قسمت شانزدهم نیز آقای ارباب کیخسرو ذکر تشکیل مجلس سنا را در این قسمت لازم دانسته و آقای وزیر فوائد عامه شرحی مشعر به موافقت با تشکیل مجلس سنا تقریر و اظهار نمودند نظر به اینکه فعلاً برای سرعت جریان امور و تسهیل کارهای دولت ضرورت شورای دولتی احساس شده بوده لذا مورد توجه دولت واقع و در پروگرام خود ذکر نموده است.

آقای آقاسید یعقوب وجود مجلس سنا را فعلاً غیر ضروری و تأسیس شورای دولتی را نیز بموجب بطور جریان امور غیر لازم دانسته

و اساساً تشکیل آن را باعث تحمیل بر بودجه مملکتی میدانستند.

آقای وزیر عدلیه شرحی راجع به مزایا و فوائد شورای دولتی از قبیل تدوین و ارتباط قوانین با یکدیگر و تسهیل امور اداری وزارتخانه ها و غیره تقریر و اظهار مینمودند مبلغ زیادی هم بر بودجه اضافه نخواهد شد.

آقای یاسائی نیز با تشکیل مجلس سنا مخالف و با وضعیت فعلی مملکت آن را غیر لازم و موجب بطور جریان کارها دانسته و با تشکیل شورای دولتی موافق بوده و در قسمت هفدهم آقای مدرس معتقد بودند چون اسنیه جزو تشکیلات وزارت داخله است مقتضی بود این قسمت جزو قسمت یازدهم که مربوط به وزارت داخله است نوشته شود.

آقای رئیس الوزراء با عقیده ایشان اظهار موافقت نموده و آقای آقاسید یعقوب با تأیید و توسعه قوای اسنیه بمناسبت ازدیاد بودجه مخالف بوده و اظهار مینمودند بایستی این قوه در تحت نظر کاسل وزارت داخله باشد.

آقای فاطمی موافق بوده و آقای وزیر عدلیه اظهار مینمودند این قسمت خیلی مهم و طرف توجه بوده و البته برای ازدیاد مخارج آنهم دولت محل سعینی پیش بینی نموده و به عرض مجلس خواهد رسانید.

در قسمت هیجدهم آقای وزیر عدلیه در جواب آقای ارباب کیخسرو اظهار نمودند دولت برای اجرای پاره تعهدات بین المللی قسمت نفیثی سواحل را ضروری دانسته و در ضمن پروگرام پیش بینی نموده است.

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله یک ربع ساعت مجدداً تشکیل و در ضمن شور کلی پروگرام دولت آقای آقاسید یعقوب راجع بلزوم عملی شدن مواد پروگرام در اسرع اوقات مخصوصاً قسمت امور اقتصادی و رفع مشکلات تجارتنی و تسریع در تکمیل انتخابات شرحی اظهار و آقای وزیر مالیه اظهار نمودند البته دولت از مشکلات مملکت مطلع و با کمال جدیت و صمیمیت سعی خواهد نمود بزودی با توافق نظر نمایندگان محترم آنها را رفع نموده و وسائل آسایش عموم را بقدر مقدور فراهم نماید و نظر به اینکه عدّه از آقایان نمایندگان مذاکره در کلیات را کافی و بعضی غیر کافی میدانستند نسبت به کفایت مذاکرات اخذ رأی شده تصویب پس از آن نسبت به کلیه پروگرام با ورقه اخذ رأی شده از ۸۰ نفر نمایندگان حاضر به اکثریت ۷۳ رأی تصویب گردید.

جلسه آتی به روز یکشنبه دهم مهرماه چهار ساعت قبل از ظهر و دستور آن اجراء مراسم تحلیف از طرف نمایندگانی که قسم یاد نکرده اند و مطالب دیگری اگر حاضر بشود تعیین و مجلس مقارن ظهر ختم شد آقای آقاسید یعقوب اظهار نمودند: که در جلسه گذشته در ضمن مذاکرات توجه دولت را به دو موضوع جلب نموده و در صورت مجلس ذکری نشده اول راجع به تعیین مسؤل جدید دوم راجع به اسانسور مطبوعات.

دیگر مخالفی نبود و صورت مجلس تصویب شد. یکشنبه ۱۰ مهرماه /

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین
منشی: سید ابراهیم ضیاء منشی: نویخت

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه پنجم مهرماه ۱۳۰۵ مطابق بیستم ربیع الاول ۱۳۴۵

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید.

(صورت مجلس یوم یکشنبه سوم مهرماه را آقای آقاسید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند).

رئیس - آقای حاج آقازاده رفیع، (اجازه)

حاج آقازاده - قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای دادگر، (اجازه)

دادگر - قبل از دستور.

رئیس - آقای فهیمی، (اجازه)

فهیمی - قبل از دستور.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب، (اجازه)

آقاسید یعقوب - در صورت جلسه قسمت دوم تذکر مقام ریاست را ننوشته اند چون تذکر اول را نوشته و قسمت دوم را که هم لازم و هم اساسی است که نمایندگان دفاع از مأمورین دولتی نکنند و خود وزیر مسؤل باید دفاع کند چون این تذکر هم یک تذکر اساسی است به عقیده بنده لازم است این تذکر هم در صورت مجلس نوشته شود.

رئیس - آقای فیروزآبادی، (اجازه)

فیروزآبادی - قبلاً بخواستم تذکر بدهم...

رئیس - راجع به چیست؟!

فیروزآبادی - راجع به آقایان وزراء.

رئیس - صورت مجلس تکلیفش معلوم نشده بعد بفرمائید.

نسبت به صورت مجلس اعتراضی نیست؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای حاج آقازاده رفیع، (اجازه)

حاج آقازاده - رفع اشکالات وارد در قانون استخدام ایجاب کرد که جماعتی از آقایان و کلاً لایحه تقدیم مقام ریاست کردند و مجلس هم تصویب کرد یک کمیسیونی از شعبات تشکیل بشود و کمیسیون هم تشکیل شد. چون جماعتی میپرسند که آن کمیسیون چه اقدامی کرده است. میخواستم سؤال کنم که اگر ممکن است بفرمایند که کمیسیون در این خصوص چه اقدامی کرده است.

رئیس - آقای دادگر رئیس کمیسیون باید جواب بدهند.

دادگر - درچندی قبل که کمیسیون تشکیل شد ما اقدامات کمیسیون را تقسیم کردیم بدو قسمت یک قسمت برای تحقیق از این انتقادات و قسمت دیگر برای تصحیح و تنقیح آنها و برای همین است که امیدواریم بتوانیم اصلاح کنیم و تقاضا کردیم در هر جا هر کسی نظری دارد بما بگوید این یکباب. یکی دیگر هم به وزارتخانه ها مخصوصاً به مؤسسه تقاعد از طریق ریاست مجلس شوری نوشتیم که تمام معلومات و مشهودات خوردشان را برای ما بفرستند تا ما برای این است که اطلاعات آنها بما برسد و ما بهمان تناسب اصلاح کنیم.

رئیس - همان روز که کمیسیون تقاضا کرده بود از طرف مجلس به تمام وزارتخانه ها شرحی نوشته شد که زودتر نظریات خودشان را به کمیسیون ارسال کنند. آقای وزیر مالیه.

وزیر مالیه - در مسأله قانون استخدام البته خاطر آقایان مسبق است که این قانون یک قانونی شده است که اجرای آن اسباب ابتلاء و اشکال شده است. البته دولت سابقاً هم در این باب نظر داشته و مقرر شده بود که کمیسیونی از یک عده از اشخاص بصیر و خبیر ادارات و وزارتخانه ها تشکیل شود و در این باب نظر کنند. بعد از اینکه این دولت با تصمیم اکثریت داخل کار شدند اول کاری که اقدام فرمودند نظر در این قانون بود و مقرر داشتند که هیئتی تعیین شود که در این قانون تجدیدنظر کنند و مسائلی را که اسباب زحمت شده و میشود اصلاح کرده به مجلس پیشنهاد کنند و قرار این بود که در اینجا هم عرض شود و استدعا شود که مجلس در این مورد یک قدری تأمل بفرمایند تا آن پیشنهادات دولت به مجلس تقدیم شود و بعد از رسیدن پیشنهاد دولت آنوقت مجلس در این باب مذاکرات بفرمایند و هر طور که تصویب کردند البته مطاع است.

بعضی از نمایندگان - دستور.

فهیمی - بنده عرضی دارم.

رئیس - آقای فهیمی توضیحی دارند نسبت به نطق جلسه گذشته خودشان (خطاب به آقای فهیمی) بفرمائید.

فهیمی - عرایض بنده دو قسمت است یک قسمت راجع به بیاناتی است که پریروز آقای حاج حسن آقا ملک فرمودند و چون آقای رئیس در آن خصوص تذکری دادند بنده در آن قسمت داخل بحث نمی شوم و قسمتی را که میخواستم تذکر بدهم و استدعا کنم این است که چون پروگرام خاتمه پیدا میکند در اول جلسه آتی دستور مراسم تحلیف آقایانی که قسم نخورده اند معین شود برای اینکه آقایانی که قسم نخورده اند عقاید خودشان را آزادانه بیان میکنند و ما ها که قسم خورده ایم بقیدیم.

عرض دیگر بنده راجع به این است که چون در عرایض آن جلسه بنده سوء تفاهم شده است و تصور شده است که بنده با هیئت امریکائی مخالف میباشم این است که توضیح میدهم که بنده با آنها مخالف نیستم و بلکه آنها را لازم میدانم و معتقدم که باید آنها را نگاه داشت ولی این مسأله مستلزم این نیست که اگر یک معایبی هم در بین هست گفته نشود چنانکه بنده در چندی قبل همین مذاکرات را با دکتر میلیسپو کردم و مخصوصاً خود اوقائل شد و مخصوصاً خواهش میکرد که این قبیل تذکرات را به او بدهند و این از وظایف هیئت دولت و وزیر مالیه که مسؤل این امر هستند میباشد که در مواردی که برخلاف نظریات عامه کار میکنند به آنها تذکر بدهند که اسباب این نشود که توجه عامه نسبت به آنها سلب شود و خدای نخواستہ آنها را اینجا بجا بیاورند. و بنده به عقیده خودم لازم میدانم آنها را نگاه داری کنیم.

بعضی از نمایندگان — دستور.

رئیس — وارد دستور شویم؟

(بعضی گفتند بلی)

رئیس — خبر کمیسیون عرایض و سرخصی راجع به سرخصی هفت روزه آقای ملک ایرج میرزا، کمیسیون هم تصویب کرده قرائت میشود.

(به شرح آتی قرائت شد)

آقای ملک ایرج میرزا پورتیمور از تاریخ ۲۹ شهریور برای مدت هفت روز جهت انجام کار سهمی که در پیش دارند اجازه سرخصی خواستند. کمیسیون عرایض و سرخصی تصویب ننماید.

رئیس — رأی گرفته میشود به این خبر. آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. خبر دیگر راجع به سرخصی بیست و

پنج روزه شاهزاده غلامحسین میرزا سعود. کمیسیون هم تصویب کرده آقای غلامحسین میرزا فرمایشی دارید؟

غلامحسین میرزا — چون مدتی از سوقی که بنده اجازه خواسته‌ام گذشته فقط تقاضای اجازه پانزده روزه میکنم.

میرزا حسنخان اسفندیاری سخبر کمیسیون — بنده هم قبول میکنم.

رئیس — رأی گرفته میشود به سرخصی پانزده روزه شاهزاده

غلامحسین میرزا آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

رئیس — معلوم نشد. خواهش میکنم آقایانی که رأی

دادند نشینند.

(عده قلیلی مجدداً برخاستند)

رئیس — تصویب نشد. قسمت چهاردهم پرگرام دولت

مطرح است.

(به مضمون ذیل قرائت شد)

۱۴ — تقدیم لوایح لازمه برای توسعه خطوط تلگرافی و

استقرار و تأسیس خطوط و سرازر جدید پستی و تبدیل وسایل موجوده حمل و نقل پست به وسایل سریع السیر.

رئیس — آقای فرمند.

فرمند — عرضی ندارم.

رئیس — آقای ارباب. (اجازه)

ارباب کیخسرو — عرضی ندارم.

رئیس — آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب — در این قسمت بنده خیلی نظر دارم و استدعا

دارم هیئت محترم دولت توجه کنند به عرایضی که بنده راجع به این وزارتخانه دارم و تحت نظر قرار دهند. اساساً اگر خوب ملاحظه

شود از قدیم زمانی است که بیشتر تأسیسات و تشکیلات در مملکت

ما آنچه که من فهمیده‌ام برای استفاده دیگران بوده منتهی ملت ایران هم بالتبع انتفاعی برده است. مثلاً سیم تلگراف از طهران

تلگراف استفاده می کنند. چرا نسبت به سایر ممالک فارس که اینهمه حکومت نشین دارد سیم تلگراف در آنجاها کشیده نشده؟ البته برای این است که دیگران در آنجا انتفاعی نداشته اند. خوب میخواهم آقای آقامیرزا حسنخان مستوفی را که وجهه ملی دارند و طرف توجه اکثریت مجلس هستند توجه بدهم که ادارات ما پس از این باید ادارات ملی باشد و نظر به حال ملت داشته باشند نه اینکه تمام تأسیسات ما برای دیگران باشد. تشکیلات نظام میدهم برای اینکه تجارت بیگانگان آزاد باشد. امینه تشکیل میدهم همینطور. سایر اداراتمان همینطور! تمام ملاحظه‌سان این است که کاغذ و تجارت سایرین به اسرع اوقات وارد اینجا بشود و یا از اینجا صادر بشود اما دیگر ملاحظه استفاده ملت را نمیکنیم اگر دولت دلسوزی داشته باشد برای ملت و نظری به حال آنها داشته باشد چرا باید هیئت دولت در نظر بگیرد (این کتابی است که صورت خطوط تلگرافی درش هست) ایالت فارس به این معظمی از اولی که خطوط تلگرافی در ایران تأسیس شده است غیر از آن خط اصفهان که از اصفهان می‌رود به آباءه و شیراز و برازجان و بوشهر دیگر در هیچ جای ایالت معظم فارسی که همه میگویند ایالت فارس (بنده که جغرافیای مفصل نمیدانم) بقدر مملکت بلژیک است سیم تلگراف ندارد. این راجع به تلگراف. راجع به پستخانه در غالب حکومت نشینهای شیراز پستخانه ندارد.

اینها یک چیزهایی است که حقیقه نماینده‌ها امروز باید نظر داشته باشند امروز یک طوری واقع شده است که دولت و ملت تمام یک نظر دارند و آن ترقی دادن مملکت است و باید جاهانی که تشکیلات مرکزی در آنجاها نیست دولت توجه داشته باشد که اهالی آنجاها هم از منافع مرکزی استفاده کنند و همانطوری که مالیات میدهند در عوض باید استفاده کنند از تشکیلاتی که در مرکز هست. یک مسأله دیگر این است که بطور مطلق دولت در لایحه‌اش نوشته توسعه خطوط تلگرافی و بنده نمیدانم توسعه خطوط تلگرافی در کجا واقع میشود شاید نظر دولت این باشد که در هر کجا یک بیگانه نیست خطوط تلگرافی در آنجا دایر کند و پستخانه را برای او تأسیس کند شاید این طور باشد ولی اسیدوارم انشاءالله دولت این نظر را نداشته باشد و نظرشان برای منافع ملت باشد. این است که تذکر میدهم. و متأسفانه امروز آقای وزیر پست و تلگراف تشریف ندارند ولی چون هیئت وزراء مسؤولیت مشترکه دارند ممکن است عرایض بنده را در نظر گرفته و اطمینان به من که نماینده ایالت فارس هستم بدهند که راجع بخط تلگرافی و پستی در فارس یک بذل جهدی میکنند چنانچه یک لایحه هم در این باب در دوره پنجم نوشتیم و تقدیم کردیم لیکن موفق نشدیم. این است یک عرض بنده. عرض دیگرم این است که حقیقه رؤسای تلگرافخانه (ناچارم بگویم) در غالب جاها محل سوءظن هستند در دوره سابق یاد می‌آید هر ماسور تلگراف که بعین میشد و به جانی میرفت مطلق العنان بود چون فوق العاده طرف اطمینان صدراعظم وقت بود و هر چیزی که تلگراف میکرد همان بود هنوز هم این عقیده درشان هست و دولت باید رؤسای تلگرافخانه را توجه

بدهد که نه این طور نیست. در واقع اینها را باید درست کنند. رئیس تلگرافخانه تنکابن برداشته بخط رسمی بکتابچه رسمی یک چیزهایی نوشته. اینها یک چیزهایی است که می بینید. تلگرافخانه سرکراسر دولت و ملت است مخصوصاً در قسمت تلگرافخانه در قانون اساسی صراحت دارد نسبت به این سرکز اسرار بودن و هیچ دولت در این مقام نبوده است یا بوده است. غلط نمیکنم. و اگر تا حالا در این خیال نبوده است باید از این بعد یک جدیت فوق العاده در این باب بکند که این کارها را اصلاح کند. تلگراف یک اداره قدیمی است لکن این اداره قدیم بدبختانه عوض اینکه از نقص به کمال برود به نقص تر رفته و گمان میکنم روز اول بهتر از حالا بوده است حالا یک صورت فضیعی بخود گرفته است. رؤسای تلگرافخانه در همه جا اطمینان از نشان رفته است. مسأله دیگر که خیلی این مسأله غریب است و همه آقایان نمایندگان عراق اینجا تشریف دارند و میدانند این است که کاغذ عراق با اینجا دوازده روزه می‌آید این مسأله را کجا باید بگوئیم؟ از عراق تا اینجا چهل و چهار فرسخ است و بنده همین روزها کاغذ دارم از آنجا که با پست آمده و دوازده روز طول کشیده شاید پست بین کرمان و یزد هم همینطورها باشد!! آنوقت ما به بیونکرس رأی میدهم که طیاره بیاورد و شرط میکنیم که از کجا بکجا پرواز کند. اینها یک چیزهایی است که دولت آقای میرزا حسنخان مستوفی که همه به آن وثوق دارند باید اینها را اصلاح کند. حقیقه تلگرافخانه و پستخانه همان است که علماء تشریح کرده‌اند که اینها در حفظ کردن مملکت عبارت از شراینی هستند که نقاط مملکت را به قلب نزدیک میکنند و مردم ایداً اطمینان ندارند تلگراف کنند یا کاغذ بدهند. این است که بنده فوق العاده توجه میدهم دولت را که در باب پستخانه و تلگرافخانه یک ترتیبات جدی اتخاذ کند و بنده نمی‌خواهم داخل در جزئیات شوم بقدری شکایت میشود که نهایت ندارد و بنده ناچارم این دردها را به زبان مخالفت در مجلس بگویم. حالا در حضور آقای رئیس الوزراء عرض میکنم که اینها یک چیزهایی است که اگر توجه نکنند استیضاح میکنم. چرا بنده مخالف هستم برای این است که درد دارم عرض میکنم فارس و جنوب ایران همیشه محروم بوده از منافع مرکز و با اینکه محروم بوده است من گذشتم. حقیقتاً به بینید در ایالت فارس یک خط تلگرافی بیشتر نیست آنهم از سرکز بوشهر در صورتیکه ایالت فارس تشکیل یک قسمت بزرگ این مملکت را میدهد و بنده وظیفه خود میدانم که این دردهائی که هست در مجلس عرض کنم حالا اگر اثر نکنند من به وظیفه خود عمل کرده‌ام. این بود عرایض بنده و از راه التجاء عرض میکنم که دولت در مسأله تلگرافخانه و پستخانه یک توجهی داشته باشد.

وزیر فوآند عا سه — چون آقای وزیر پست و تلگراف نیستند بنده هم حق دارم چون در تلگرافخانه سابقه خیلی دارم جواب عرض کنم اولاً خیلی خوشوقتیم که اظهارات آقای آقا سید یعقوب عین ماده پرگرام ما است چون همین قسمتی را که آقا دیده‌اند و اظهار می کنند که بعضی ولایات فارس محروم مانده‌اند از منافع

خط تلگرافی همین نظریه ایجاب کرده که مسأله توسعه تلگراف را بخصوص در پرگرام ذکر کنیم و بنده میدانم مقدساتی بعمل آمده است که در فارس خطوط جدید تلگرافی ایجاد شود. اما آن مسأله که فرمودند هر کجا سیم تلگراف کشیده میشود برای انتفاع دیگران است این را میتوان گفت که این طور نیست. اول خطی که خواستند در ایران بکشند در سوقی بود که ایرانیها نه خودشان اسباب داشتند و نه پول داشتند و نه در خودشان حاجت به تلگراف را احساس میکردند البته آنهائی که هم پولش را داشتند و هم حاجت داشتند و هم لزوم تلگراف را بیشتر از آنوقت ما ملتفت بودند آمدند و اجازه گرفتند و یک خط تلگرافی از ایران عبور دادند. البته خودشان فائده بردند ولی بما هم نمی‌شود گفت ضرر رسید بجهت اینکه ما بدون اینکه خرجی بکنیم و در آن سوق اجزائی برای این کار داشته باشیم صاحب یک خط عمده تلگرافی شدیم که اولاً آذربایجان را به فارس متصل کرد و دوم اینکه مرکز ما را به تمام اروپا متصل نمود. این را نمی‌شود گفت ضرر است. آنها هم استفاده کردند ما هم استفاده کردیم بعد هم به نسبت حاجت و به نسبت استطاعت در سایر نقاط ایران هم تلگراف کشیده شده است. راست است فارس از این حیث یک قدری عقب مانده است. بنده خودم سوقی که در فارس بودم خیلی خوب احساس کردم که خیلی کارها در آنجا اتفاق می‌افتاد (مخصوصاً طرف لار که قدری با مرکز آنجا مسافت دارد) و ما نمی‌توانستیم سخا برات کنیم و از همانوقت این شکایات بوده ولی بنده میدانم وزارت پست و تلگراف یک انگاره در نظر گرفته که آن نواقص را رفع کند و همین مسأله میتواند اسباب اطمینان آقای آقا سید یعقوب بشود و نظر بهمان ضرورت هم در پرگرام ذکر کردیم. و اما در باب پست نه این است که پستخانه مراوده‌اش مختل باشد. برزخ بین کارهای عالم همیشه اسباب سستی میشود. یکوقتی مسام بود که باید با سال پست را حرکت دهند بعدها اقتضا پیدا کرد که با عرابه پست را حرکت دهند. استحضاتی هم در این باب کردند مخصوصاً در این سنوات اخیر که نرخ بالا رفت و یکسالی هم قحطی شد و اسبها تلف شدند و آن اشخاصی هم که متصدی این کار بودند بخصوص در خط آذربایجان و خراسان ورشکست شدند و بدینواسطه یک قدری اختلال در آمدو شد پستی واقع شد و فعلاً بدترین اوقات اداره پست است زیرا تمام خیالات متوجه اتومبیل شده است. مردم میخواهند به اسرع اوقات مکاتبات و مخابراتشان بیاید و برود از آنطرف وسائل اتومبیل به آن ترتیبی که باید باشد فراهم نیست. سایر مردم هم که سابقاً می‌آمده‌اند و متصدی میشده‌اند و حمل و نقل پستی را راه می‌انداختند امروز بواسطه اینکه میدانند کارها بوسیله اتومبیل باید بشود سستی کرده اقدام نمی‌کنند و حاضر نمی‌شوند و تصور میکنم اگر رجوع کنید به بودجه خودتان شاید در بودجه هم امروز همچو محل صحیحی که هر قدر بخواهید مساعدت کنید با اشخاص حمل و نقل چی نباشد و تا وقتی که اسباب اتومبیل در مملکت فراهم نشده البته نواقصی دارد ولی انشاءالله بتدریج نواقصش رفع خواهد شد.

و راجع بخطوط شوشه هم دولت در همه جا مشغول است که راهها را تسطیح کند و اتوبسیل راه بیندازد که مسأله پست همانطوریکه آقایان میخواهند رواج پیدا کند. اما سایر مسائل که متذکر شدند شبهه نیست که در اکثر ادارات معایبی هست و باید اهتمام کرد که آن معایب مرتفع شود و انشاءالله هم اهتمام خواهیم کرد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

وزیر عدلیه - یک مختصری بنده خواستم عرض کنم و آن راجع به فرمایشات آقای آقاسید یعقوب است که فرمودند ما نظام را درست می کنیم برای انتفاع خارجیها و این فرمایشی که فرمودند مورد نداشت البته اگر مال التجاره خارجه از نظام یعنی از امنیت مملکتی استفاده میکنند نباید موقع ایراد واقع شود.

رئیس - قسمت پانزدهم قرائت شود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

۱۵ - تجدیدنظر در قانون استخدام و پیشنهاد لازم راجع به اصلاح نواقص آن.

رئیس - آقای ارباب. (اجازه)

ارباب کیخسرو - قانون استخدام یکی از دردهای بیدرمان مملکتی است. در سوقی که این قانون از مجلس میگذشت بنده به هیچ یک از مواد آن رأی ندادم و مخالف بودم. حالا هم مخالفم. برخلاف خیلی قوانینی که گذشته و موقوف الاجراء مانده است متأسفانه ما بدون تجربه و مطالعه آمدیم و یک قانون استخداسی نوشتیم که هنوز در خیلی از ممالک متمدنه دنیا سابقه ندارد در آن ممالک اگر قانون استخداسی هم هست هر وزارتخانه به اقتضای وضعیت و ترتیبات خودش یک قانون استخدام مخصوصی دارد. این قانون استخدام چه کرده و چه نتیجه برای ما داشته؟ از یک طرف (به زبان بی زبانی عرض میکنم) یک عده از محصلین اسروزی را که ممکن است تحصیلاتشان برای آتیه مملکت فائده داشته باشد از ورود به ادارات دولتی محروم و ممنوع کرده و از طرف دیگر نگاهداشته در دوائر دولتی کسانی را که شاید استحقاق نگاهداری ندارند (جمعی از نمایندگان - صحیح است) بنده عقیده ام این بود وقتی که دولت این مشکلات را احساس می کرد بهتر این بود پیشنهاد موقوف الاجراء گذاردن این قانون را میکرد که اصلاح موقوف الاجراء بماند تا ترتیب اساسی در آن داده و اصلاحات لازم بشود و یک قانون صحیح از نقطه نظر تفکیک بین وزارتخانه ها و اختصاص هر قسمت از قانون نسبت به هر یک از وزارت خانه ها که بتواند بدون تبعیض حق هر کس را ثابت نگاهدارد نوشته شود و وضعیت اشخاص امین و کسانی که تحصیلاتشان برای ترقی و تعالی مملکت و اطلاع ادارات مفید است مستقر گردد و این قبیل اشخاص از ورود به ادارات دولت ممنوع و محروم نباشند و به عقیده بنده حرکت مجلس در این قانون یک نظر اساسی اتخاذ گردد فعلاً این قانون موقوف الاجراء باشد تا تکلیف آن معین شود. زیرا الان حقاً این قانون موقعیت اجراء شدن ندارد و اگر فرضاً گفته شود یک قسمت آن اجراء شده قطعاً قسمت های دیگر آن اجراء نشده

صحبت میشود متأسفانه جوابی که داده میشود غالباً هواست. مثلاً وقتی که میگوئیم چرا اشاره به بلدیهای قانونی نشده جواب گفته میشود مایمیخواهیم چراغ شهر روشن بشود! چیز غریبی است! در مقابل قانون شهرها بمقتضای وقت و موقع هم ممکن است روشن باشد و هم تاریک!! استبداد هم اینکار را میتواند بکند. پس قانون بلدی برای چه نوشته شد؟ و چرا اجراء نمی شود؟ اگر بدست مجلس بگویند و تذکر بدهند این قانون بد است و موقوف الاجراء بودن آن را بخواهند. و یا اگر یک قانونی ناقص است باید اصلاح آن را بخواهند. بنده تصدیق دارم که تمام مجالس شوروی دنیا به مرور زمان و در طول ایام توانسته اند نواقص قوانین خود را اصلاح کنند ولی علت اینکه نواقص قوانین ما زیادتر است برای تکمیل نبودن مبانی مشروطیت است که یکی از آن مبانی مجلس شورای ملی و یکی شورای دولتی است که باید اشخاص صحیح انتخاب شوند و قوانین را حاضر و پخته کنند و بعد به مجلس بفرستند. اما یک قسمت ثالثی هم دارد که بنده منتظر بودم دولت این قسمت را هم در نظر بگیرد و پیشنهاد میکرد و آن مجلس سنا است. اگر مجلس سنا بد است پس چرا قانون اساسی بآن اشاره کرده؟ مگر شنیدم وقتی که از مجلس سنا مذاکره میشد جواب داده میشد ما مجلس سنا لازم نداریم برای اینکه مجلس شورای ملی، مجلس اعیانی است درحالتی که بنده وقتی دورتا دور نگاه می کنم همچو چیزی در مجلس نمی بینم و فرضاً اگر هم اینطور باشد باید این ترتیب را لغو و این طریق را مسدود کنیم. مجلس ملی باید علیحده باشد و مجلس اعیان علیحده و راه تکنیک بین این دو همان است که مجلس سنا علیحده باشد باین معنی که اعیان بروند در آنجا و مشغول کار خودشان باشند. مجلس شورای ملی کار خودش را بکند مجلس سنا کار خودش را. پس وجود شورای دولتی یا مملکتی لازم است برای اینکه قوانین را تنقیح کند و مجلس سنا لازم است برای اینکه بآن قوانین رسیدگی کرده و ببیند اگر نواقصی دارد رفع نماید و مجلس شورای ملی را بآن نواقص متذکر نماید و بالاخره مجلس شورای ملی لازم است برای اینکه آن قوانین را تصویب کند این سبادی را ما تازه اختراع نکرده ایم بلکه کاری است که دنیا میکند و آن مللی که از ما جلوند هم سنا دارند و هم شورای دولتی یا مملکتی و بنده خیلی میل داشتم دولت در این پروگرام خودش ذکر می کند و آن مجلس سنا میکرد و مشروطیت ما را تکمیل مینمود حالا هم اسیدواریم در این فکر باشند که بدین وسیله نواقص مشروطیت ما را رفع کنند.

آقا سید یعقوب - آقای ارباب هم که موافق بودند.

ارباب کیخسرو - در قسمت عدم ذکر مجلس سنا مخالف بودم. وزیر فواید عامه کارهای دنیا تا از روی اساس صحیح نباشد نتیجه صحیح بدست نمی آید بیست سال است که مایمیگوئیم مشروطه شده ایم ولی نشده ایم. مشروطیت یک شرایطی دارد وقتی که آن شرایط موجود نباشد مشروطیت نیست. پس ما در این مدت با مشروطه بازی کرده ایم بدترین چیزها در مملکت تزلزل است و ما دام که ما در حال تزلزلیم هیچوقت کارهای ما سروصورت

خوشی پیدا نخواهد کرد. در مملکت ما امروزه یک نیمه عنصر ثابت مجلس شورای ملی است. ما درحقیقت عنصر ثابت در مملکت نداریم بنده در وقتی که فارس بودم بهمین مجلس شورای ملی تلگراف کردم شاید آقای پیرنیا خاطرشان باشد خواهش کردم که در مملکت سعی کنند عنصر ثابتی پیدا کنند تا طوری بشود که امور مملکت بهر بادی متزلزل نشود. اما نسبت به فرمایشات آقای ارباب بنده شخصاً کمال اعتقاد را باظهارات ایشان دارم بنده شخصاً از وقتی که داخل این جریانات شده ام در مجلس اول و دوم و سوم و چهارم همه وقت طرفدار این عقیده بوده ام و وجود مؤسسه سنا را برای مملکت لازم میدانم یک وقتی در یکی از کتابهای راجع بکنستوسیون های عالییه یک مطلبی را خواندم که شاید خیلی از آقایان هم خوانده باشند در وقتیکه آمریکای شمالی آزاد شد و واشنگتن با یکی از رفقای خودش نشست و گفت: حالا خوبست ما برای خودمان یک اساس خوبی درست کنیم و یک تشکیلاتی بدهیم و مجلس شورای ملی یا مجلس عام یا پارلمان (یا هر چه آقایان اسمش را میگذارید) درست کنیم و مجلس سنائی ترتیب بدهیم رفیقش گفت یعنی چه؟ این چه تقلیدی است که ما از دول قدیمه بکنیم زیرا سنا مؤسسه ایست که از زمان رومیها بانی مانده و سایر دول قدیمه قبل از اینکه مجلس عمومی پیدا کنند سنا داشته اند. بعد که مجلس عمومی پیدا شد سنا را ابقاء کرده اند. حالا که ما میخواهیم اساس جدیدی ایجاد و طرح نوئی دائر کنیم و بر روی آن اصول کارهای مملکت خودمان را مرتب و اصلاح کنیم چه احتیاجی داریم که از آنها تقلید کنیم. در اینموقع صاحب این قول مشغول خوردن چائی بود. چائی داغ بود و آن شخص چائی را در نعلبکی ریخت تا خنک شده بخورد و واشنگتن از او سؤال کرد چرا چائی را در نعلبکی ریختی. جواب داد چون چائی داغ بود در نعلبکی ریختم خنک شود. واشنگتن با او جواب داد خوب من هم سنا را برای همین میخواهم که نعلبکی مجلس ملی باشد (خنده نمایندگان) زیرا مطالب گاهی در مجلس طوری داغ میشود که نمی شود آنها را خورد در آنوقت آنها را باید درسنا که بمنزله نعلبکی است بریزیم تا قدری خنک بشود و آنوقت خورد. حالا در مملکت ما متأسفانه بهر موردی که میرسیم بواسطه سوء ظن باشخاص وعدم اعتمادی که داریم ترتیبات اساسی و ضروری را منکر میشویم و مادام که ما اساس را منکر میشویم اسکان ندارد بجائی برسیم و نتیجه بگیریم و آنطور که منظور نظرات خرابیهای خودمان را اصلاح کنیم والا بخیال اینکه چون نمیتوانیم چیزی را بطریق کامل برسانیم از اینجهت درست نکنیم یا بخیال اینکه اگر درست کنیم دارای معایب خواهد بود از اینجهت اصلش را منکر شویم و متروک بگذاریم با این ترتیب فائده نخواهیم برد و نتیجه مطلوب بدست نخواهد آمد این مسائل چیزهایی است که در تمام دنیا تجربه کرده اند و دارند. منتها ما از این نظر که شاید یک طبقاتی و مردمانی با این مؤسسه مخالفت کنند و مجلس شورای ملی تصدیق نکند ذکر می از سنا نکردیم. چنانچه در مجلس اول که خود بنده رابط بین مجلس و دولت بودم مکرر شنیدم همین صحبت را کرده اند که

و کلاه میگفتند چرا ما و چرا یک مجلس را تصدیق نکنیم که بر ما فائق بیاید. وانگهی در مجلس اول خیلی از رجال درجه اول ما به رهلباس که بودند توی آن مجلس حضور پیدا کردند و علت اینکه در آن موقع سنا را قبول نکردند (بنده خودم در کار بودم و میدانم) همین مسئله بود که عرض کردم. این بود علت تعویق سنا. حالا بنده در این موضوع حرفی ندارم و خواستم عقاید خودم را عرض کنم. حالا بیائیم بر سر مجلس شورای ملی. بنده تکرار میکنم عرض خودم را که در مملکت یک عنصر ثابت لازم است. آن عنصر ثابت از طرف ملت مجلس شورای ملی و از طرف دولت شورای دولتی یا مملکتی است. شورای دولتی یک نظامنامه و وظائف و تکالیف و مقرراتی دارد. این یک چیزی است که در همه جای دنیا هست. حالا ما شورای دولتی نمیخواهیم. خوب نخواهیم چون نمیدانیم فایده اش چیست و تصور میکنیم که یک جمعی آنجا خواهند رفت و بی نشینند و کاری هم برای ما نمیکند و یک خرجی هم بما تحمیل میکنند اما اینطور نیست زیرا وظائفی که همه ملل بعهده شورای دولتی باقی گذارده اند اگر ضرورت نداشت و مورد احتیاج نبود نمی گذاشتند عقل آنها که کم نیست. این وظائف را در مملکت ما کی باید انجام دهد؟ هیچکس!! چون انجام نمیگیرد نتیجه هم نمی دهد. بنابراین دولت تشکیل شورای دولتی یا مملکتی را خیلی لازم میدانند. حالا آقایان لازم نمیدانند خیلی خوب بسته بنظر خودشان است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم.

رئیس - با کفایت مذاکرات مخالفید؟

آقا سید یعقوب - بلی.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - برای اینکه درست مسئله حل نشد بنده ناچارم عرایض خود را عرض کنم آقای ارباب کیخسرو که کاملاً موافق بودند و آقای وزیر فواید عامه هم که بعنوان موافقت شرحی اظهار کردند و بنده از خود آقایان و کلاء و مجلس محترم حکمیت میخواهم که یک نفر مخالف حق ندارد صحبت کند؟ و دوفتور حرف زدند که هر دو از موافقین بودند. از اینجهت خوبست بیک نفر مخالف هم اجازه داده شود که حرفهای خود را بزند.

رئیس - مجلس موافق است که آقا حرف بزنند؟

بعضی از نمایندگان - بزنند.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - اولاً از آقای ارباب (با اینکه آقای رئیس هم همه روزه تذکر داده اند) استدعا دارم که بعنوان مخالفت در صورتیکه موافقت حرف نزنند و وقت را از دست مخالفین نگیرند. بنده ناچارم عرایض خودم را عرض کنم تا نظریات و عقاید معلوم شود. در این مسئله بقدری آقای ارباب و آقای وزیر فواید عامه جدید کردند که گمان میکنم اسباب سوء تفاهم شد. قانون انتخابات ما یک طوری تدوین شده که غالباً از اشخاص درجه اول وکیل میشوند و اگر اینطور باشد گمان نمی کنم در دوره هفتم یک نفر وکیلی مثل من و امثال من

یاسائی - کافی نیست هنوز یک نفر موافق جواب نداده است.

رئیس - آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - مذاکراتی که در اطراف پرگرام میشود چه بعنوان مخالفت چه بعنوان موافقت. طوری مسائل خلط میشود که حقیقتاً تشخیص مخالفت و موافقت مشکل است. آقای ارباب شرحی در اطراف ساده پرگرام راجع به تأسیس شورای دولتی فرمودند و ضمناً تذکره دادند که مجلس سنا هم لازم است آقای هدایت وزیر فواید عامه هم آمدند و عقیده خودشان را اظهار کردند که موافقم آقای وثوق هم طفره رفتند از جواب راجع به این قسمت. آقای آقاسید یعقوب هم که مخالف با پرگرام بودند بنده هم که با پرگرام و دولت حاضر موافقم عرض میکنم ما با دولتی موافق هستیم که راجع به مجلس سنا ذکر کردی در پرگرامش نکند چنانچه ذکر کردی هم نکرده ما جدا با تشکیل مجلس سنا در مملکت مخالف هستیم. برای اینکه بطور جریان امور را خودمان در مجلس شورای ملی با این نظامنامه که داریم می بینیم. لویحی که تقدیم مجلس میشود در ادوار مختلفه در کمیسیونها و مجلس معطل میماند. بسا هست که دودوره سه دور یک قانونی معطل میشود تا به تصویب برسد. قانون سمیزی در دوره چهارم آمد در دوره پنجم گذشت قانون نظام اجباری دوره چهارم آمد دوره پنجم گذشت قانون محاکمه وزراء دوره چهارم آمد در دوره پنجم هم یک طرحی تقدیم شد و بالاخره در این دوره هم صحبتش نیست. مملکت محتاج اصلاحات اساسی است. ستون بندهای تشکیلات این مملکت هنوز درست نیست ما آن نازک کاریها را میگذاریم برای آتیه اگر یک روزی مقتضی شد که در نازک کاری یک مذاکرات و مذاقه هائی بشود آنوقت بیایند موجبات تشکیل مجلس سنا را فراهم بیاورند ولی عجالتاً مقتضیات این مملکت تشکیل مجلس سنا را ایجاب نمیکند. به علاوه همانطور که بعضی آقایان گفتند مجلس شورای ملی آنقدرها تند نرفته که برای استکان - نعلبکی هم لازم باشد. در دوره پنجم مگر نظر آقایان نیست که مالیات بر دهاقین و زارعین بستند؟ در دنیای حاضر ما آمدیم بردهاقین مالیات بستیم!! در صورتی که قبلاً در سمیزیهای سابق دهاقین و زارعین را معاف کرده بودند. ما تند نرفتیم بلکه یک کاری کردیم که اگر مجلس سنا هم بود موافقت نمی کرد. فقط ما یک کاری کردیم و آن این بود قانون نسخ القاب را وضع کردیم. و این هم یک کار خوبی بود. برای یک مشت الفاظ بی معنی چه ضرورتی داشت. به هر حال تشکیل مجلس سنا آنطوری که نظر آقای ارباب و دیگران است فایده ندارد و اسباب این میشود که آن قوانین اساسی که لازم داریم و باید هر چه زودتر از مجلس شورای ملی بگذرد برای چندین سال معطل بماند و هر یک روز از عمر این مملکت بگذرد و موفق به اصلاحات نشوند دارای یک غبطه هائی خواهد بود و تدارکش در آتیه بنظر مشکل میاید. وقت و فرصت را نباید از دست داد. اما در قسمت شورای دولتی آقای وزیر عدلیه آنچه که لازم بود جواب دادند. شورای دولتی

و ارباب صنایع و حرف تشویق شوند و همه در کارهای خودشان اهتمام بنمایند نه اینکه با وضع حاضره بیایند و یک مؤسسه هم بنام شورای دولتی درست کنند و چندین نفر را بیاورند آنجا و یک فصل بزرگی از خرج بر بودجه اضافه کنند و اسباب زحمت و معطلی ملت را درست کنند. الان این ملت بدبخت و هشت کروم مالیات میدهد البته اگر این مؤسسه درست شود یک سخارج زیادی هم در بودجه برای آن منظور میکنند. آنوقت فایده اش جز معطلی و وقفه کارها چه خواهد بود. ملاحظه بفرمائید اگر اینطور بشود کارها باید برود بشورای دولتی در آنجا مدتی بماند بعد از مدتی بمجلس سیاید و از اینجا کمیسیون مربوطه برود و در آنجا دوشور شود بعد دوباره بیاید بمجلس و در اینجا هم دوشور شود. آنوقت چه خواهد شد و با آنکه ما نظرم آن است که کارها به سرعت بگذرد چه قدر اسباب معطلی خواهد بود؟ اگر باز با وجود این عرایض بنده بمجلس تصدیق میکنم البته مختار است ولی جز اینکه یک فصل جدیدی بر خرج افزوده شود فایده دیگری ندارد. حالا چون فلانجا شورای دولتی دارد یا فلانجا مجلس سنا دارد ما هم باید داشته باشیم؟! نه لازم نیست. والله ما به امریکا نمیرسیم. به فرانسه و انگلیس نمیرسیم. دولتی هستیم فقیر. از حیث افراد. از حیث رجال. از حیث علم. از حیث ثروت. از همه جهه فقیر هستیم. آیا ما بهمان پرشی که فرانسه سپرد باید بپریم؟! بنده که عقیده ندارم.

وزیر عدلیه - موضوع مجلس سنا چون در پرگرام دولت نیست مخالف یا موافق درش حرف زدن تصور میکنم مورد نداشته باشد اما راجع به شورای دولتی عقیده دولت این است که کمال لزوم را دارد. آقایان خوب مطلع هستند که قوانینی از طرف هیئت دولت تقدیم مجلس میشود و از مجلس میگذرد. این قوانین غالباً روی قانون سابق است حتی یک نظامنامه های اداری در وزارتخانه ها وضع میشود که با هم مربوط نیستند. و نمیدانند در هر اداره چه نظامنامه وضع شده است. اینها اسباب زحمت میشود. پس شورای مملکتی که توحید میکند این نظامنامه ها را و در تدوین قوانین با دولت بلکه با مجلس هم کمک کند یک موضوع لازمی است و در سایر ممالک هم این مؤسسه را خیلی لازم دانسته اند و تقریباً کمتر جائی است که این مؤسسه را نداشته باشد. آقا راجع بفرمایش آقاسید یعقوب که میفرمایند تأسیس این مؤسسه تحمیل زیادی بر بودجه مینماید و خرج گزاف دارد. به عقیده بنده خرج زیادی ندارد برای اینکه یک اشخاص زیادی هستند از منتظرین خدمت یا وزرای سابق که از دولت شهریه و یا حقوق انتظار خدمت میگیرند و در آنجا یک خدماتی انجام خواهند داد که مفید خواهد بود به علاوه مؤسسه شورای دولتی یک مؤسسه نیست که مانع الجمع باشد. یعنی اعضای ادارات نتوانند آنجا بیایند خدمت کنند بلکه همان اجزای ادارات یا رؤسای ادارات که تجزیاتی دارند میایند آنجا خدمت میکنند و تحمیلی هم بر بودجه نخواهد شد یا اگر هم بشود خیلی کم خواهد بود. و در هر حال دولت این مؤسسه را لازم میدانند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

برای تدوین قوانین لازم است. دیوان عالی تمیز که آخرین مرجع برای شکایاتی است که در عدلیه میشود و آخرین مرجع اسوقضائی است اتفاق افتاده است که خودشان هم یک کارهایی می کنند. مثلاً بنده دیده‌ام دیوان عالی تمیز که حکمی صادر میکند در یک موردی و به یک سوادی استدلال میکند و در مورد دیگر استدلال میکند به سوادی مخالف آن و بالاخره یک خودمختاری پیدا کرده است. و ما در قانون محاکمه قضات پیش بینی کردیم که باید یک شورای دولتی تشکیل شود که به این کارها رسیدگی کند یا اگر کسی از دیوان تمیز شکایت داشت و راستی ثابت کرد که غرض رانی شده باید رسیدگی کند و همچنین اگر وزراء نسبت به سامورین دولت تجاوز و تعدی کردند راجع به خدمتشان یا سایر چیزها باید به شورای دولتی مراجعه کنند ولی الان دیوان تمیز قائم مقام شورای دولتی شده است اما دیوان تمیزی که استقلال خود را تقریباً از دست داده است و در تحت نفوذ و تأثیر قوه مجریه قرار گرفته است. فایده ندارد قوه قضائیه باید استقلال داشته باشد وجود وزیر عدلیه که جزو قوه مجریه است تا آنجائی میتواند تأثیر داشته باشد که حکم قاضی را امضاء کند. همین قدر که حکم قاضی را امضاء کرد آن قاضی در کار قضائی خودش مستقل است این مراتب بواسطه نبودن شورای دولتی محفوظ نمانده است. یعنی استقلال قوه قضائیه از دست رفته است اگر قاضی از وزیر عدلیه شاکی باشد بکی برود شکایت بکند؟ ولی اگر یک شورای دولتی تشکیل شده باشد از رجال مجرب آزموده امتحان داده بیطرف بی غرض قهراً این مشکلات رفع میشود و ممکن است مجدداً استقلال قوه قضائی را اعاده بدهیم به علاوه این کمیسیون بازیهائیکه در وزارتخانه تشکیل و اسباب شکایت همه شده است آقایان ممکن است تشریف ببرند ببینند هر یک از وزارتخانه ها کمیسیونهائی تشکیل داده و اوقات اداری خودشان را صرف تنظیم یک کارهای خیلی جزئی می کنند که هیچ فایده ندارد. لهذا به عقیده بنده شورای دولتی وجودش لازم و مجلس ما لازم نیست.

وزیر فواید عامه — بنده لازم میدانم یک توضیحی عرض کنم این قسمت را که بنده راجع به مجلس ما عرض کردم ادا غرض تطبیق نبود. بنده هیچ نخواستیم تطبیق بکنم که این مجلس ما با کدام مجلس شبیه است یک قضیه تغییر اصولی بوده که عرض کردم و هیچ غرض تطبیق نداشتم.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — قسمت هفدهم.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

۱۷ — تزئید و توسعه قوای امنیه.

رئیس — آقای مدرس. (اجازه)

مدرس — بنده نمیدانم بگویم با این ماده مخالفم یا موافق. مخالفت بنده با این ماده این است که اینجا جایش نیست. جای آن در ماده یازده است که مربوط به مسأله وزارت داخله است این ماده یازدهم است (استحکام تشکیلات وزارت داخله در تمام مملکت و تکمیل و اصلاح تأسیسات صحتی و بلدی) باید بعدش

نوشته شود توسعه و تزئید قوای امنیه. قوای امنیه یک قسمت علیحده از تأسیسات وزارت داخله نیست و چون اساس سیاست ما این است که امور به جریان عادی خود بیفتد وزارت داخله باید جداً امنیه را تحت نظر خود در بیاورد مثل نظمیه که در تحت تشکیلات وزارت داخله است امنیه هم باید در تحت نظر وزارت داخله باشد. رئیس الوزراء — این تذکری که آقا دادند ما مخالف نیستیم که محل آن تغییر بکند و بیاید در تعقیب وزارت داخله — در این باب نظر مخالفی نیست.

رئیس — آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب — در این ماده آقای مدرس مخالفشان این بود که بایستی امنیه جزء تشکیلات وزارت داخله باشد ولی نظر بنده راجع به مسأله بودجه است تشکیلات دولتی دست وزراء است ولی چیزیکه در دست ماست مسأله بودجه است اینکه میفرمایند جزء تشکیلات وزارت داخله باشند من موافقم ولی فردا که میخواهیم در بودجه رأی بدهیم بیائیم یک اضافه بر بودجه بکنیم شما این ماده را گذرا ندید تزئید و توسعه قوای امنیه حالا بیائید برای تزئید قوای امنیه دو کرور اعتبار بدهید از این جهت بنده مخالفم پس با این همه از دو نظر ما مخالفیم یکی اینکه ما اینقدر قوای امنیه که داریم اگر در تحت سراقبت وزیر داخله که شخص جدی است و در مجلس اول و دوره های قبل بنده ایشان را دیده‌ام اگر در تحت نظر ایشان در بیاید کفایت میکند دیگر اینکه اگر بخواهد یک بودجه هنگفتی برای اینکار در این فصل بنویسند جداً مخالفم و مخالفتم را هم در کمیسیون عرض میکنم.

وزیر عدلیه — بنده خواستم اجمالاً عرض کنم البته وقتی که دولت تزئید و توسعه قوای امنیه را پیشنهاد کرد برای مجلس هم یک پیش بینی هائی خواهد کرد.

رئیس — آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی — بنده با فرمایشات آقای آقا سید یعقوب مخالفم و تصور نمیکنم که این فرمایش را در مجلس بکنند برای اینکه بهترین سوادی که در این پروگرام هست همین مسأله تزئید قوای امنیه است و اینکه میفرمایند قوای امنیه همین اندازه که هست کافی است کافی نیست برای اینکه بنده از پاره ترتیبات و تشکیلات و بودجه آن اطلاع دارم و بطوری که دولت پیشنهاد کرده خیلی خوب است و از این باب نباید نگران بود. اما راجع به اینکه امنیه باید جزو وزارت داخله باشد تصور میکنم کسی مخالف نباشد و عرض بنده فقط راجع به فرمایش آقای آقا سید یعقوب بود که فرمودند این امنیه کافی است و بنده مخالفم بلکه تشکیلات فعلی را خیلی ناقص میدانم و اگر بودجه امنیه را سه برابر این هم بیاورند بنده حاضر رأی بدهم و دلایلی هم دارم. برای اینکه فعلاً قوای امنیه فوق العاده کم هست و وجود و عدسش تقریباً مساوی هست.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — قسمت هجدهم.

(به شرح ذیل خوانده شد)

۱۸ — اتخاذ وسائل لازمه برای تفتیش سواحل.

رئیس — آقای ارباب. (اجازه)

ارباب کیخسرو — این جا بنده خواستم ضرورت نوشتن این ماده را بدانم چیست و در اینجا چه نظر دارند؟ آیا سواحل اطلاق بر خشکی و بحری هر دو میشود یا خیر؟ به علاوه مگر سابقاً در تحت تفتیش نبوده است که حالا جزو پروگرام میآورند؟ وزیر عدلیه — اولاً مقصود از سواحل ساحل بحری است به علاوه سابقاً دولت لوازم تفتیش را بقدر کفایت نداشته است. بطور اجمال عرض میکنم. دولت برای اجرای بعضی تعهدات بین المللی لازم است یک نظری در داشتن یک مقدار قوای بحری داشته باشد و برای اجرای پاره تعهدات بوده است که این قسمت در پروگرام پیشبینی شده است و البته بعد جزئیات آن به مجلس پیشنهاد خواهد شد.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — چند دقیقه تنفس داده میشود.

(درین موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس — شور در کلیات پروگرام دولت است. آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب — بنده برای خاطر اینکه نمایندگان محترم از عقاید بنده مستحضر شوند و بدانند که علت مخالفت بنده با آقای رئیس الوزراء و هیئت دولت از چه نقطه نظر است و در روزنامهجات نوشته نشود چون دولت از حزب محافظه کارند و من از حزب کارگر یا ایشان از حزب لیبرال هستند و بنده از فلان حزب دستم خیر هنوز در ایران آن طوری که باید احزاب تشکیل نشده است و این مسأله نیست که در آتی در جرائد بنویسند که چون احزاب مختلف بودند و نماینده از حزب دیگر بود و دولت از حزب دیگر به این جهت مخالفت کرد خیر. در مملکت ما ترتیب تشکیل دولتها به این ترتیب واقع نشده است که بنده بگویم حزب محافظه کار اکثریت پیدا کرده و من در اقلیت هستم خیر اینطور نیست این را همه میدانند که مختلف و متشتت هستیم ولی همه اهالی ایران یک عائله هستند و امیدواریم این وحدت نژادی از میان نرود. از این موضوع میگذریم. مسأله دوم این است که وجدان خود آقای رئیس الوزراء گواه است که در دوره اول و دوم بنده یکی از اشخاصی بودم که جداً طرفدار ایشان بودم در دوره سوم اول تزلزل من شد چرا اسباب تزلزل من شد در صورتی که والله خائن نیستند و کاملاً هم به مملکت علاقه دارند. فقط فرق بین بنده و یاسائی این است که آقای یاسائی اخذ کرده اند مقام صبوری و بنده اخذ کرده ام مقام عشق را. از عشق تا به صبوری فلان است. رئیس الوزراء به مملکت علاقه مند هست اما در تصمیمات و عملیات آن طوری که بنده میل دارم جدی نیستند از جهت عدم جدیت و عدم تصمیمات. آقای یاسائی، بنده مثل شما نیستم بنده میگویم شب که میخواستیم فردا یک قدم پیش رفته باشیم. شما میگویند ما مطمئن هستیم شب که میخواستیم این رئیس الوزراء به کسی چیزی نمیدهد. بنده هم میدانم ولی میگویم ما خیلی عقیم. فوق العاده از

قافله عقب افتاده ایم بقدری فشارهای سابق ما را خرد و مضمحل کرده که در جامعه انسانیت صدای ما نیست. یک کسی که از قافله عقب افتاده است و در صحرائ هولناک البته باید به عجله و شتاب خودش را برساند. شما میگویند اینها چیزی به خارجه نمیدهند هیچکس چیزی به خارجه نمیدهد. عدم موافقت بنده بواسطه خاطر یک مسأله بوده است که در کارها سستی و تراخی میشده است. یک ماده این پروگرام راجع است به وزارت خارجه. بنده نمیدانم آقای وزیر خارجه برای این روابط خارجی ما که فعلاً به این روز است و خودشان هم میدانند چه قدمی بر میدارند و چه اقدامی خواهند کرد که این سوء تفاهمی که ما بین ما و دیگران پیدا شده است برداشته شود. کی تجارت ما بجریان می افتد. کی راه شمال باز میشود و این تحریکاتی که اجانب در جنوب و در ایلات میکنند قطع میشود؟ من این حرفها را سیزم من از این هیئت دولت این چیزها را میخواهم. یک قدم بردارند فردا استیضاح میکنم یک نفر هم هستم باشم بنده میخواهم بفشار قوه ای که قانون بمن داده است و تا دو سال حق و اختیار داده است وزراء مسئول را تعقیب کنم. ما چه روایتی با کسی داریم؟ ما دعوی با کسی نداریم. یک مسأله شیلات است لایحه اش را درست کنند بیاورند بگذرانیم. ما نمیخواهیم جلو ارزاق کسی را بگیریم. فقط ما نمیخواهیم کلاهمان را تمام ببرند بلکه میخواهیم یک قدری از کلاه هم سر خودمان باشد. لایحه شیلات را درست کنند بیاورند بمجلس ملت ایران دست و داد و دوستی را بهمه ملل و دول داده است وزیر فواید عامه باید همه این چیزها را حل کند بنده مخالفتم این است که اینها الفاظی نباشد که در کاغذ نوشته شده باشد و وقتی ورقه اعتماد بشان داده شد و از این جا رفتند دیگر ما وزیر را نبینیم. هر چه سؤال کنیم که آقا کار داریم هیچ توجهی نکنند. تمام صحبت و استدعای ما هاستوجه باصلاحات است — الان میخواهم رئیس الوزراء یا یکی از وزراء جواب بدهند که این هیئت دولت تصمیم گرفته است که کار بکند و تصد دارد این سوادی را که در پروگرام نوشته است عملی کند و در هر جائی اشکال دید و دید که لازم است مجلس با او مساعدت بکند مجلس با او مساعدت میکند — این اعلی حضرت هم فوق العاده شایق باصلاحات هستند آقای وزیر خارجه: شما ابد اصعبت نکردید ولی چون وزراء مسئولیت مشترک دارند راجع سیاست خارجه لازم است حقیقتاً یک قدم جدی بردارید که تجارت مملکت ما بجریان بیفتد ما گدا هم که نیستیم ما مواد خام از تمام همسایگانمان بیشتر داریم آنها را نمیبزنند ولی صنایع خودشان را میآورند بما میفروشند گمرک هم که از ورود اشیاء تجملی جلوگیری نمیکند مسأله دیگر مسأله وزارت داخله است میخواستم آقای وزیر توضیح بدهند نظمی حتی نطق و کلام را سانسور میکند و نمیگذارد در روزنامه نوشته شود. روزنامه اگر تجاوز و تعدی کرد باید قانون را اجرا کنند. تا کی قانون نباید اجرا بشود. نظمی فقط کارش این است که اداره سانسور درست کند که هر چه نوشته میشود سانسور بکند بنده از بعضی روزنامهجات استدعا کردم که نطق بنده را ننویسند. مخصوصاً دشمنی با من دارند مضاف را مینویسند مضاف

ایه را نمیبویسند. علت این چیست؟ دعواتان با من از چه جهت است بنده و کیلیم. بنده باید از مسأله خود دفاع بکنم. بنده میگویم آقای وزیر داخله این بودجه نظمی همایش برای سانسور کردن مطبوعات است؟! ماده دوم و چهارم قانون اساسی راجع بمطبوعات است. آقایان نمایندگان، چرا حرف نمیزنید؟! بمن فحش هم بدهند حاضر فحش بخورم لکن این مسائل سانسور نظمی و سایر ترتیبات باید اصلاح شود. هیئت دولت هم که ملت آزاد بخواد. قوی. وزین وقانون دان هستند. بلدی به ساهی چندین هزار تومان سواجب میگیرند. بلدیهای دنیا هم همینطور است؟! بنده حقیقه از لفظ بلدی به میخوام فرار کنیم. صبح در خیابان شاهآباد میآمدم دیدم حقیقه لجن را باز کرده اند توی خانه مردم. صدایشان هم در نمیآید. تو گمان میکنی که نان میخوری؟ زهرمار است! ما زهرمار میخوریم! این ترتیب بلدی و حفظالصحه ما است! ولی بینی و بین الله چیزی که خودم شاهد میمانم و شاید فیروزآبادی مخالف باشد بهر کسی یک قدمهائی برای صحیح برداشته است و شاید اگر همراهی بشود یک کارهائی بکند و شاید مردم را از بدبختی بیرون بیاورد. یکی مسئله بلدی است. یکی هم نظمی است. آخر مسئول بلدی کیست؟ آخر با کسی باید صحبت کرد؟ اگر غیر مسئول است که هیچ مقام غیرمسئولی در مملکت غیر از مقام عظیم پادشاه نیست آخر ما باید بداییم مسئول بلدی کیست یک کلمه در پرگرام ندیدیم که بنویسد مسئول بلدی کیست. اگر کسی میداند بمن جواب بدهد. اگر آقای رئیس الوزراء قبول کرده اند بسیار خوب به بنده بگویند. آقای وزیر داخله قبول کرده است؟ وزیر خارجه قبول کرده است؟ یک وزیری قبول بکند آخر اداره غیرمسئول که نباید در مملکت باشد!! یکی هم راجع به وزارت عدلیه است که آن روز آقای وزیر عدلیه فرمودند ما باید قیاس این عدلیه را با بدست سال قبل از این بکنیم. آقا، بیست سال قبل از این می گفتند فلان کس وزیر عدلیه است وزیر عدلیه هم میگفت اعلیحضرت بمن نان خامه مرحمت کرده. آن وقت هشتصد هزار تومان نمیدادند الان هشتصد هزار تومان از جیب این ملت ما به قوه قانون در میآوریم و رأی میدهیم که آقای وزیر عدلیه شما بروید از مالیه بگیرید و به اینها بدهید بخورند آنوقت کی مواجب میداد؟ ما سواجب میدهیم میخوایم ادارات عدلیه ما اداراتی باشد که اسباب تأمین باشد برای مردمی که رجوع میکنند به آنجا. در بیست سال قبل مشروطه هم نداشتیم پس حالا نباید حرف زد. هیئت وزراء و وثوق الدوله نداشتیم این داد و قالها را نداشتیم همان عرض اول را باز میکنیم که باید ما سرعت برق مجبور بشویم و کار بکنیم و دولت را بشلاق سؤال واستيضاح و اداره به کار بکنیم تا یک قدمهائی برای اصلاح خرابی مملکت ما بردارند. این هم راجع به عدلیه بود که جوابهائی که وزیر عدلیه دادند و قیاس کردند با بیست سال پیش که ما چه بودیم و عدلیه ما چطور بود و حالا خیلی فرق است با آن وقت. راجع به خارجه هم همان عرایض بود که عرض کردم و امیدوارم که حقیقه هیئت دولت مخصوصاً رئیس الوزراء که در سیاست خارجه خیلی مته بخشاش میگذارند و کاملاً جدید دارند با وزیر خارجه

هم که سربلند میکنند به نیروی نظام سرکوبی میشود آنوقت اگر نکردند باز استیضاح است. این عرایض بنده بود دیگر عرض ندارم. وزیر مالیه - آقایان تصدیق مینمایند بعد از اینکه حکومت ما حکومت شورایی شده است اگر چه اسم دولت به یک هیئت تعلق میگیرد بطور اخص ولی در واقع در صورتی که این دولت به تمایل مجلس انتخاب میشود و با عدم اعتماد مجلس آن هیئت از بین میروند و مسؤولیت در مقابل این هیئت محترم دارد، این مسؤولیت دولت در مقابل تمام ملت در واقع با مجلس مشترک است چنانکه ملاحظه میفرمائید اگر یک عدم رضایتی از دولت حاصل بشود بالتبع به مجلس توجه میکند و مردم این عدم رضایت را برای خودشان اسباب یک حملاتی هم بدولت و هم به مجلس قرار میدهند در اینصورت هر چند آقای آقا سید یعقوب در نطق پریروزشان دفاع کردند از مجلس پنجم ولی عرض میکنم همه مجلس گذشته خوب بودند و همه به وظایف خود عمل کردند ولی این را باید دانست که امروز ما نمیخواهیم تنقید از مجلس گذشته یا از مجالس گذشته مملکت و وضعی است که امروز ملت ما در آن گرفتارند و کلاً و نمایندگان محترم مجلس شرف حضور دارند و جدائاً در مقابل خدا و مردم مسؤولند وقتی یک هیئتی را برای مردم و مملکت انتخاب میکنند باید نسبت به آن هیئت یک طوری اقدام بکنند و موافقت بکنند که آن هیئت بتوانند از عهده انجام وظایف خود بیرون بیایند. البته نمیخواهم عرض کنم (چون آقایان بهتر میدانند) که عمل قصوراتی که در پیش شده است چیست. و متأسفانه ما اینجا بهم می آقیم و حرف سیزیم یا مذاکره میکنیم و وقتی که بنای کار شد و کسی خواست کار بکند کسی با او همراهی نمیکند و متأسفانه کارهای مملکت در بوته اجمال باقی میماند. آقای آقا سید یعقوب نسبت به آقای مستوفی الممالک اینطور اظهار کردند که ایشان تصمیم نمیگیرند زود کار نمیکنند. بنده عرض میکنم که این فرمایشی که آقا فرمودند بینی و بین الله از روی واقع نیست گذشته از اینکه بنده در کابینه های مختلف ایشان بوده ام و اگر تعریف و تمجید بکنم و حق شناسی بکنم یک مقداری شاید بوی غرضی میاید ولی عرض میکنم و جلب میکنم نظر آقایان را روی کابینه های آقای مستوفی الممالک که در این مدت در مملکت تشکیل داده اند کابینه های ایشان خدمات مهمه به مملکت کرده اند (جمعی از نمایندگان - صحیح است) و هر کار خوب (نمیخواهم بگویم تمام کارهای خوب) بلکه بیشتر کارهای خوب که در این مملکت شده در کابینه های آقای مستوفی الممالک بوده است (نمایندگان - صحیح است) هر کس که از روی انصاف اینها را قدر شناسی نکند حق کسی کرده. (نمایندگان - صحیح است) در کابینه اول آقای مستوفی الممالک بنده در آذربایجان بودم و در کابینه نبودم که بخوام اینجا یک اظهار حباتی کرده باشم آقای مستوفی الممالک کابینه را تشکیل دادند در موقعی که همه میدانند اول مجاهدین بود و ناسنی بطوری در مملکت بود که هیچکس دارای مال و جان و ناسوس نبود در آن موقع آمدند ایشان رئیس مملکت شدند بنده در حدود آذربایجان بودم و مجاهدین اسباب اغتشاش بوده و آذربایجان در واقع در یک حال اسفناکی بود وقتی تلگراف آقای

مستوفی الممالک رسید که ترتیب اسنیت مملکت را اقدام کرده اند و بعضی محظوراتی که در آن موقع بوده برداشتند و حالت اسنیت را اداره کرده اند بنده عرض میکنم در آنجائی که بنده بودم این تلگراف که رسید مثل این بود که یک قوه قاهر نظامی وارد شده باشد برای حفظ اسنیت مملکت و در کابینه های دیگرشان هم اگر بخوام میتوانم مدلل بدارم ولی چون خودم در آن کابینه ها بودم عرض نمیکنم. آقای مدرس آنروز فرمودند که ایشان انتفاعی نمیدهند به خارجه و داخله. بنده گمان میکنم مقصودشان انتفاع ناسروع بود ولی انتفاع مشروع هم خارجه و هم داخله از ایشان انتفاع میبرند یعنی حق مملکت خودشان را نگاه میدارند و انشاء الله بعد از این هم همینطور خواهد بود. بنده این را صراحتاً عرض میکنم. اول دوره ششم است و دولت هم محظورات مملکت و فشارهای ملت را میداند. موقع حرف زدن نیست. موقع کار کردن است. هیچ هیئت دولتی هم نمیتواند کار کند مگر اینکه قاطبه مملکت و مجلس با او همراهی کنند و از آنها بخوانند. تکلیف مجلس این است که از آنها بخواند. البته آنوقت اگر نکرد باید سؤال کرد استیضاح کرد و طلبید که اجرا شود. این است که بنده عرض کردم و تذکر میدهم شما سراسر مملکت را نگاه بکنید با حالت قفر و فاقه و با حالت بیچارگی و بدبختی که مردم دارند امروز روزی نیست که ما بهم بیفتیم بلکه موقعی است که همه باید بهم کمک بکنند و رفع این محظورات و بدبختی ها را بکنند. ملاحظه فرمائید دیروز در طهران اظهار میکردند که سکه های طلا و نقره شکسته و سوراخ کرده را بانکها یا صرافخانه ها بر نمیدارند و درش اشکال میکنند. این سکه های شکسته چه بود؟ اینها زینتهای زنهای فقیر ایرانی بود که از ناچاری به بازار آمده بود و آنها را بر نمیداشتند. بدبختی مردم این اندازه است که آن سکه های شکسته را به بازار میآوردند با متأسفانه میشنویم که ایرانیها مهاجرت میکنند و میروند اینها را باید دولت جلوگیری بکند ولی بکنک و همراهی شما و اینکه فرمودید راجع به خارجه و داخله بنده نمیخواهم حالا در جزئیات اینها مذاکره کنم چون مذاکره شده است البته خودتان میدانید که این یک کابینه است که آقای مستوفی الممالک در رأس آن واقع شده است و آقای مستوفی الممالک هم بعمده الله یک آدمی است که خودش را به پاکی و پاکیزگی و علاقه بمملکت معرفی کرده است و هیچوقت در سیاست خارجه نباخته است و هر کس هم با او بوده با این سیاست موافقت داشته بنده به آقایان عرض میکنم و امیدوارم که آقای مستوفی الممالک و کابینه ایشان همان سیاست را تعقیب خواهند کرد مشروط بر اینکه این مجلس محترم هم با کمال جدیت و صمیمیت با این دولت همراهی بکند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. (بعضی گفتند: کافی نیست).

بک نفر از نمایندگان - رأی بگیرید.

رئیس - ماده صد و سیزده در اینگونه مواقع الزام نمیکند رأی بگیریم.

میرزا عبدالله خان معتمد - بنده پیشنهاد کفایت مذاکرات

میکنم.

روحی — بنده مخالفم.

رئیس — بفرمائید.

روحی — چند جمله است که تمام وقت مجلس صرف یک مذاکراتی شد که شاید یک قسمتهایش بلاجواب ماند و منتظر بودیم هیئت دولت در این مورد جوابهای کافی بدهند که اقتناع کننده باشد که در موقع رأی دادن برای اشخاص تولید شبهه نکند و عقیده ندارم که فقط آقای آقا... بدیعقوب یک صحبتها می کنند و آقای وزیرسالیه یک جوابهایی در کلیات بدهند و همه مذاکرات بلاجواب بماند. از آقایان استدعا میکنم ده دقیقه وقت بدهند و بگذارند این حرفها زده شود و آقایان وزراء هم یک مذاکراتی بکنند و معترضین هم حرفهای خودشان را بزنند و جواب بشنوند بیش از این عرضی ندارم.

رئیس — رأی گرفته میشود به کفایت مذاکرات آقایانی که کافی میدانند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس — کافی است. رأی گرفته میشود به پرگرام هیئت دولت که مشتمل بر هیجده جزء است با ورقه...
آقای سید میرزا علی — بنده عرض داشتم.

رئیس — بعد از کفایت مذاکرات که مجلس تصویب کرد اجازه نطق داده نمیشود. رأی گرفته میشود با ورقه آقایان موافقین ورقه سفید خواهند داد و آنتهایی که مخالفند ورقه کبود.

(اخذ رأی بعمل آمد)

رئیس — اخذ اوراق رأی تمام شد.

(تعداد آراء نیز بعمل آمده و هفتاد و سه ورقه سفید تعداد شد)
رئیس — عدد حاضر ۸۵ پرگرام دولت با کثرت هفتاد و سه رأی تصویب شد.

(اساسی رأی دهندگان)

آقایان: اسکندر خان مقدم — میرزا حسن علی خان فرمند — میرزا حسین خان دادگر — شیخ محمد علی امام جمعه شیراز — داور — کی استوان — دکتر سنگ — شیروانی — غلامحسین میرزا سعید — میرزا حسن آیه الله زاده — امیر حسین خان ایلخانی — میرزا سید علی — شیخ الاسلام ملایری — سید حسن مدرس — میرزا سید مهدی (معمداً التولید) — میرزا محمد تقی بهار — عباس میرزا فرمانفرمایان — میرزا ابراهیم آشتیانی — ثقة الاسلام بروجرودی — میرزا ابراهیم امام جمعه اهر — سید ابوالحسن حائری زاده — حاج سید عبدالعلی طباطبائی دیبا — حاج آقا رضا رفیع — هاشم آقا ملک مدنی — میرزا حسین خان موقر — میرزا محمد علیخان نظام مانی — محمد علی میرزا دولتشاهی — میرزا حسن خان اسفندیاری — میرزا حسین خان جلالی — حاج علی اکبر امین — میرزا علیخان حیدری — میرزا عبدالله یاسائی — سید حسین

آقایان — حاج اسدالله زوار — میرزا عبدالباقی — میرزا صادقخان خواجوی — میرزا سید احمد خان اعتبار — حاج میرزا آقای فرشی — محمد آخوند — ملک ایرج پورتیمور — میرزا عبدالله خان وثوق — آقای مهدی بنی سلیمان — میرزا حسین خان وزیری — میرزا عبدالله میرخان نگهبان — میرزا محمد خان معظمی — کیخسرو شاهرخ — عطاءالله خان پالیزی — میرزا محمد علیخان بامداد — سهرابخان ساکینیان — حاج حسن آقا ملک — وکیلی طباطبائی — ابوالحسن خان ثقة الاسلامی — میرزا سید حسین خان میرممتاز — نویخت — آقا سید کاظم یزدی — آقا سید ابراهیم ضیاء — میرزا رضاخان افشار میرزا اسمعیل خان نجومی — دکتر هادی طاهری — میرزا یوسف خان عدل — میرزا حسن خان فرمند — حیدرقلی میرزا حشمتی — میرزا حسین خان پیرنیا — میرزا حبیب الله امین — دکتر لتمان — میرزا علی حقنویس — حاج سید رضا فیروز آبادی — آقا سید جواد محقق — آقا علی زارع — عطاءالله خان روحی — ذوالقدر — میرزا علیخان خطیبی — آقا میرزا سید احمد بهبهانی —

رئیس الوزراء — از ابراز حسن ظنی که آقایان به بنده و همکاران بنده فرموده اند و به پرگرام هیئت دولت رأی داده اند تشکر میکنم از همه آقایان و از خدا در عوض میخواهم مقاصد خیریه آقایان را که دولت هم طالب همان مصالح و منافع سملکت است موفق به انجامش شویم.

رئیس — چون چیزی در دستور نداریم اگر آقایان موافق باشند جلسه ختم شود جلسه آتیه یکشنبه آینده چهار ساعت قبل از ظهر...

(در این موقع بعضی از نمایندگان از مجلس خارج میشدند)
رئیس — آقایان تشریف داشته باشند جلسه یکشنبه آینده چهار ساعت قبل از ظهر و چیزی حاضر برای دستور نداریم فقط چند لایحه است که از طرف دولت تقدیم مجلس شده است و فرستاده شده است به کمیسیون بودجه ممکن است کمیسیون بودجه در این دو روزه اهتمام کند نسبت به تمام آنها یا نسبت به بعضی از آنها و راپرتی تقدیم مجلس کند. در خاتمه بطوری که آقای رئیس الوزراء هم تذکر دادند عرض میکنم که هیئت دولت باید اهتمام کند لوائح لازمه را زودتر تقدیم مجلس کنند بنابراین جلسه آتیه هر چیزی که حاضر شده با تصویب مجلس جزو دستور خواهد شد. آقای حائری زاده (اجازه).

حائری زاده — بنده معتقدم که جلسه آتیه همان مراسم تحلیف جزو دستور باشد اگر چیز دیگری هم حاضر شد بعد از آن جزء دستور بشود.

رئیس — منافاتی ندارد.

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی — دیبا

منشی — سید ابراهیم ضیاء منشی — نویخت